

قتل های هدفمند در افغانستان، عوامل و پیامد ها

د ستراتژیکو او سیمه‌ییزو خپرڼو مرکز - کابل



تحليل CSRS | شماره: ۳۶۲

۱۲ جدی ۱۳۹۹ هـ ش / 01 January 2021

www.csrskabul.com - www.csrskabul.af

ویب‌سایت:

لطفاً نظریات و پیشنهادات خود را جهت انکشاف مطالب این نشریه به این آدرس ها با ما شریک سازید:

csrskabul@gmail.com - info@csrskabul.com

ایمیل:

قتل های هدفمند در افغانستان، عوامل و پیامد ها



نا امنی و خشونت پدیده‌ی ناشناخته‌ای برای افغانستان نیست، در کشوری که چهار دهه است در تنور خشونت و جنگ می سوزد، دست کم یک سه نسل، این مصیبت را تا عمق استخوان لمس و عملاً با آن زندگی کرده است. آنچه این روزها در افغانستان می گذرد شکل کم سابقه و متفاوتی از خشونت است که با روش‌های جدید و اهدافی مشخص اجرا می شود. شبکه‌ها و سازمان‌های تروریستی متمرکز شده‌اند که افراد مشخصی را دست‌چین و ترور کنند. علمای دین، خبرنگاران، فعالان مدنی، شخصیت‌های اجتماعی و همه‌ی کسانی که از یک سو از تدابیر و امکانات حفاظتی و امنیتی برخوردار نیستند و از سوی دیگر، کشته‌شدن آنها باعث ایجاد رعب و ترس برای هموعانش می‌گردد.

به نظر می‌رسد، اهداف مهم‌تر عوامل این ترورها، خلق وحشت در افکار عمومی، افزایش بی‌امنیتی و تخریب روند صلح باشد. عاملین این حوادث شناسایی نمی‌شوند و در صورتی که سر نخ‌ی به دست آید باز هم تحقیقات شفاف صورت نمی‌گیرد و نه هم مردم و بازماندگان قربانیان در جریان تحقیقات قرار داده می‌شوند. متأسفانه تدابیر از سوی نهادهای امنیتی هم در برابر این گونه حملات و قتل‌های هدفمند بسیار ضعیف است. بدون شک، حملاتی که در ماه‌های اخیر علیه افراد در قلب پایتخت کشور صورت گرفته است نه تنها یک چالش بزرگ علیه امنیت و آسایش پایتخت نشینان است بلکه یک چالش جدی در برابر کامیاب‌سازی پروسه صلح نیز می‌باشد.

سرمایه های انسانی ای که قربانی حملات هدفمند شده اند:

وحید مزده از کارشناسان سیاسی و فعالان سرشناس رسانه ای که ضمن داشتن جایگاه منتقد دولت مخالف حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان و همواره برای برپایی صلح و آرامش در این کشور تلاش می کرد، در م مطابق به ۲۹ عقرب ۱۳۹۸ ه.ش (۲۰ نوامبر ۲۰۱۹ م) نزدیک خانه اش در کابل هدف حمله سوء قصد دو فرد مسلح ناشناس قرار گرفت و کشته شد.¹

تتسو ناکامورا مشهور در افغانستان به کاکا مراد پزشک ۷۳ ساله جاپانی که بخش عمده زندگی و حرفه خود را وقف بهبود زندگی شهروندان افغانستان کرده بود، در ۶ دسامبر ۲۰۱۹ با پنج همکار افغانش هنگام نظارت از یک پروژه در جلال آباد مرکز ننگرهار در نتیجه یک حمله مسلحانه شدیداً زخمی و سپس درگذشت.²

دکتور مولوی محمد ایاز نیازی، استاد دانشگاه و خطیب مسجد جامع منطقه وزیر اکبر خان کابل که همواره از حملات داعش و حضور و حملات نظامیان خارجی علیه غیرنظامیان انتقاد می کرد، و همواره بر پای صلح میان افغان ها مردم را تشویق می نمود و علت تمام ناآرامی های کشور را اختلافات بین افغان ها میدانست. به تاریخ ۱۳ جوزا ۱۳۹۹ ه.ش بر اثر حمله انتحاری در محوطه این مسجد آماج انفجار ماین جاگذاری شده قرار گرفت، و به شهادت رسید. شماری از مقامات دولت افغانستان کشته شدن وی را ضایعه جبران ناپذیر خواندند، طالبان نیز در تحت بیانیه ای این حمله را محکوم کردند.³

مولوی عزیز الله مفلح امام و خطیب مسجد و عضو شورای علمای سراسری افغانستان و همچنین سه نمازگزار دیگر بر اثر انفجاری در مسجد جامع شیرشاه سوری واقع در منطقه سوم امنیتی در غرب کابل در ۲۳ جوزا ۱۳۹۹ ه.ش به شهادت رسیدند. به گزارش وزارت حج و اوقاف افغانستان مولوی مفلح در کنار تحصیلات علوم شرعی در عرفان و تصوف نیز

¹ <https://www.google.com/amp/s/www.bbc.com/persion/50492280/amp>

² <https://www.google.com/amp/s/www.bbc.com/persion/afghanistan-50705628.amp>

³ <https://www.aa.com.tr/fa/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF%DB%8C/%D9%88%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86/1862841>

مطالعاتی داشت، اعتدال گرایی و طرفداری از داعیه صلح در کشور، سبب گسترش محبت او در میان علاقه مندان شده بود.⁴

دکتر عبدالباقی امین، رئیس شورای علمی وزارت معارف افغانستان و از چهره‌های حامی مذاکرات صلح با طالبان صبح روز چهارشنبه ۲۹ اسد سال ۱۳۹۹ ه.ش بر اثر انفجار یک ماین مقناطیسی جاسازی شده در موتر حامل وی در منطقه کمپنی ناحیه پنجم شهر کابل کشته شد. او در پوهنتون کابل، دانشگاه بین المللی اسلامی آباد پاکستان، و پوهنتون های کلان لیبیا و سودان تدریس کرده و از فعالین سرسخت صلح بود.⁵

یما سیاوش، رفیع صدیقی، الیاس داعی، ملاله میوند، رحمت الله نیکزاد، یوسف رشید و فرشته کوهستانی از جمله فعالان مدنی و رسانه ای هستند، که در جریان ماه های اخیر به قتل رسیده اند. همچنان در میان قتل های هدفمند، صاحب منصبان اردو و پولیس، سارنوالان و قضات و مسئولین متقاعد و برحال دولت نیز شامل می باشند.

افزایش نا امنی، وقوع انفجار های پیوسته و حملات هدفمند در کابل و ولایات باعث شده شهروندان از هر زمان دیگری در نگرانی به سر ببرند. تنها روز شنبه ۶ جدی، سال ۱۳۹۹ ه.ش چهار انفجار در نواحی مختلف شهر کابل رخ داده است، تمام این ها بیان میکند که نهاد های کشفی و استخباراتی حکومت در مسئولیت خود ناکام بوده اند. در قتل های هدفمندانه علمای دین و شخصیت های اجتماعی بیشتر آنانی مورد هدف قرار گرفته اند که حامی قطع جنگ و مصالحه ملی در کشور بوده و در پروسه صلح نقش فعال داشته اند. چنانچه زلی خلیل زاد نماینده ویژه امریکا برای صلح افغانستان در مورد حملات هدفمندانه اخیر اظهار نمود که در پی این حوادث کسانی اند که می خواهند روند صلح را برهم زده و آن را تأخیر، منحرف سازند.⁶

⁴ <https://parstoday.com/dari/news/afghanistan-i110543>

⁵ <https://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=164545>

⁶ <https://www.bbc.com/afghanistan-53849766.amp>

عوامل و پیامد های قتل های هدفمند:

جهت های مجهول تقریباً هر روز یک چهره شناخته شده را با ضرب گلوله یا بمب مقناطیسی، با کم ترین هزینه و بیشترین هیاهوی تبلیغاتی و اجتماعی از بین میبرند، در پهلوی این ها مردم عام از ضرر جانی و مالی این حملات بی نصیب نمی باشند. چنین به نظر میرسد که گروه های مجهول با ایجاد بی امنیتی عمومی در کشور خواستار ایجاد هرج و مرج بوده، و میخواهند مردم را نسبت به آینده صلح بی اعتماد و نا امید ساخته، پروسه صلح را سبوتاژ نمایند.

ترور نخبه گان اجتماعی، کدر های علمی، فعالین نهاد های اجتماعی و فعالان عرصه های سیاسی جدا از خلق غم میان مردم، ستم بزرگی در حق یک ملت است. زیست شناسان یک مقوله بسیار خوب را بیان می نمایند که، نبود هر چیز قابل جبران است، به جز انسانی که زیست مسالمت آمیز دارد و به هم نوع خود کمک می کند.

هر روز با بهانه های مختلف نخبگان سیاسی، کدر های علمی، نظامی کشته و فعالان اجتماعی جان خود را از دست می دهیم، حکومت با ناکارآمدی تمام نظاره گر وضعیت است و کار جدی ای نمی کند. مردم که از وضعیت به کلی خسته شده اند، قربانی اصلی ماجرا هستند و با گذشت هر روز نا امیدی و بی اعتمادی شان نسبت به دولت بیشتر شده می رود. در چنین وضعیت نیاز است که حکومت افغانستان به حکم دین و به اساس قانون اساسی افغانستان مسؤل حفظ جان مال و ناموس تک، تک از شهروندان به خصوص علماء دانشمندان و سرمایه های معنوی کشور بوده و مکلف است تا در مورد سهل انگاری ننموده و تدابیر جدی را بخاطر شناسایی و مجازات عاملین قتل های هدفمند و سائر جرائم سازمان یافته روی دست گیرد

تحقق صلح عادلانه، عاجل و دوامدار بزرگترین اولویت مردم افغانستان و حلال مشکلات امنیتی در کشور می باشد. حکومت افغانستان و حرکت طالبان باید هر چه زودتر راه آشتی و مصالحه ملی در کشور را هموار نمایند، تا بیشتر ازین جوانان وطن طعمه جنگ نگردیده و علماء، نخبه گان سیاسی، رسانه ای و اجتماعی کشور، یکجا با عامه مردم به نابودی سوق داده نشوند.

از تجاوز ۶ جدی ۱۳۵۸ قشون سرخ بر افغانستان پیامدها و درسها



چهل و یکمین سالروز تجاوز شوروی بر افغانستان در حالی فرا می رسد که متأسفانه هنوز از زخم های خونین بدن تکه و پاره کشور، دارد خون می چکد.

هر چند اتحاد جماهیر شوروی وقت سالها پیش از اثر جهاد مقدس مردم افغانستان مرده است، اما زخم شمشیر زهر آلودش هنوز هم از مردم افغانستان به انواع و اقسام مختلف قربانی می گیرد. روزانه دهها نفر در کشور کشته و زخمی می شود. فقر دست به بیدادگری کم سابقه ی زده است. فساد اوج قله اش را بی رحمانه گام گذاشته است. در هیچ جای کشور و هیچ کسی در امن نیست و حکومت داری سالم وجود ندارد.

شاید در اذهان نسل جوان کشورسوالی مطرح شود که نابسانی طاقت فرسای امروز افغانستان چه ربطی به اتحاد شوروی وقت و تجاوزش بر کشور ما می گیرد درحالیکه چهار دهه فاصله در میان وجود دارد؟

جواب خیلی ساده است و آن اینکه تجاوز شوروی بر افغانستان زمینه این همه نابسامانی را در کشور در بیشتر موارد مساعد ساخت. و افغانستان را چون گوسفند زخمی در وادی گرگ ها رها کرد. اگر اتحاد جماهیر شوروی وقت به حمایت از

کمونیست ها بر کشور تجاوز نمی کرد، به یقین که حکومت کمونیستی خیلی زود به دست مردم افغانستان سقوط می کرد، و در کشور یک حکومت ملی و اسلامی به خواست مردم تشکیل می گردید.

در این تحلیل کوتاه نگاهی انداخته شده به جنایات و کشتار های هولناک نیروهای اتحاد شوروی وقت در افغانستان و این که چگونه آمدند و به چه سان رفتند.

از تجاوز تا شکست

به تاریخ 6 جدی 1358 هـ ش که مطابق به 27 دسامبر 1979 م می شد؛ سپاه چهلیم اتحاد جماهیر شوری وقت که از قبل برای این هدف در نزدیکی های سرحدات شمالی کشور جا به جا گردیده بود؛ از زمین و هوا وارد افغانستان گردید.

درین اردو برید جنرال توخارینوف به عنوان قوماندان؛ برید جنرال وتکاپوف به عنوان آمر سیاسی و برید جنرال لویانوف و برید جنرال کرکاکین به ترتیب به حیث رییس ارکان و آمر کشف قرار داشتند.

اردوی چهلیم که متشکل از صد قطعه جز و تام بوده و دارای چهار فرقه موتوریزه که عبارت باشد از لوای توپچی، لوای راکت و دافع هوا، قطعات انجینیری و مخابره، و جز و تام های تامیناتی و لوژستیکی بود. تعداد قوای مذکور در سال 1358 هـ ش به هشتاد هزار تن می رسید که بعد ها به این تعداد افزوده شده به یک صد و پانزده هزار رسید. که در نکات مهم و استراتیژیک کشور از جمله میدان های هوایی کابل، بگرام و شین دند جا به جا گردیدند.

اسناد کافی وجود دارد که حکومت دست نشاندۀ نور محمد تره کی و حفیظ الله امین (اولین و دومین رئیس شورای انقلابی که رهبری افغانستان در رژیم خلقی را به عهده داشتند) بارها از اتحاد جماهیر شوروی وقت دعوت نموده بودند که بر افغانستان تجاوز نمایند. به ویژه پس از قیام 24 حوت 1357 هـ ش مردم هرات.

از بین بردن حفیظ الله امین که به مخالفان شوروی وقت تمایل پیدا کرده بود، هراس از ایجاد یک حکومت اسلامی در افغانستان، چشم داشت به منابع زیر زمینی، توسعه طلبی و دیدگاه های آیدیا لوژیکی از موارد مهم عوامل تجاوز شوروی بر افغانستان به حساب می آید.

سپاه چهلیم شوروی وقت حدود نه سال با مردم افغانستان جنگید که پیامد آن برای افغانستان حدود دو میلیون شهید، صدها هزار بیوه و یتیم، شش میلیون مهاجر و نیم میلیون معلول بوده و علاوه بر آن زیر ساخت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی کشور به شدت صدمه دید و در عرصهء معارف یک نسل کامل بی سواد ماند و زمینه دخالت بیگانه ها در کشور مساعد گردید.

در حدود 620 هزار از نیروهای اتحاد شوروی به نوبت در افغانستان با مجاهدین جنگیدند و سر انجام پس از نه سال مقاومت مردم افغانستان بتاريخ 26 دلو 1367 هـ ش بعد از شکست مفتضحانه از افغانستان بیرون شدند. به اساس آمار رسمی شوروی هزینه این تجاوز برای شوروی ها 14751 کشته، 47000 زخمی و مصرف نزدیک به پنجاه میلیارد دالر بوده است، که با توجه به ارزش واقعی پول در آن ایام پنجاه میلیارد دالر پولی کمی نبوده است. بالاتر از همهء اینها؛ اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بخاطر تجاوز بر افغانستان بهایی به قیمت وجودش پرداخت، چنانچه در ظرف یک دهه بعد از تجاوز، تجزیه شد و از جغرافیای سیاسی جهان نابود گردید.

نمونه هایی از کشتار بی رحمانه شوروی ها در افغانستان

هر چند به اثر تجاوز نیروهای شوروی وقت بر افغانستان در حدود دو میلیون انسان جان های شیرین شان را از دست داده اند، اما، در این جا به شکل نمونه مواردی از این کشتار های بی رحمانه به هدف یاد دهانی نسل جوان کشور، نقل می گردد.

به تاریخ 25 جدی 1358 هـ ش 750 تن از اهالی قریه غروشلاق ولسوالی چهاردره ولایت کندز از طرف نیروهای شوروی وقت قتل عام گردیدند.

به تاریخ 21 دلو 1358 هـ ش 250 تن در ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز توسط قوای شوروی وقت به قتل رسیدند. به تاریخ 21 اسد 1359 هـ ش حدود 1200 نفر از اهالی ولایت میدان وردگ حین ادای نماز عید در اثر بمباردمان طیاره های نیروهای اشغالگر شوروی وقت به قتل رسیدند.

به تاریخ 19 جدی 1359 هـ ش در یک عملیات هوایی و زمینی قوای شوروی وقت بیش از 200 تن از اهالی ولسوالی خان آباد ولایت کندز که زنان، اطفال و موسفیدان را نیز شامل می شد، بی رحمانه به قتل رسانیده شدند.

به تاریخ 2 سرطان 1360 هـ ش در اثر بمباردمان جنگنده های شوروی وقت در تبنانی با رژیم دست نشانده کابل در قندهار صدها تن به قتل رسیدند.

به تاریخ 5 اسد 1361 هـ ش نیروهای شوروی در دوران عملیات تهاجمی؛ شش قریه ولایت لوگر را ویران و در حدود 200 تن غیر نظامی را به قتل رسانیدند.

به تاریخ 7 اسد 1361 هـ ش به تعداد 120 تن از جوانان و نوجوانان، در قریه چرماب ولسوالی دهنه غوری ولایت بغلان توسط نیروهای شوروی در یکی از دره های قریه مذکور محاصره و به رگبار بسته شدند.

به تاریخ 5 ثور 1362 هـ ش در اثر حملات هوایی و زمینی نیروهای شوروی و حامیان داخلی آنها که از اواسط ماه اپریل بر شهر هرات صورت گرفت که هزاران تن زن؛ مرد و کودک جان های خود را از دست دادند.

به تاریخ 18 قوس 1362 هـ ش در یک عملیات تصفیوی قوای شوروی به تعداد 250 تن از اهالی ولایت غزنی به قتل رسیدند.

به تاریخ 28 حوت 1362 هـ ش یک دسته از کماندوهای قوای شوروی در چپرهار ولایت ننگرهار حمله نموده و یک تعداد جوانان را به هلیکوپترها سوار نمودند تا به عسکری سوق دهند، 75 تن از آنها را که خواستند فرار کنند، از طرف سربازان روسی به قتل رسیدند.

به تاریخ 28 سنبله 1363 هـ ش در اثر بمباردمان طیاره های شوروی و حامیان داخلی شان به تعداد 150 تن از اهالی مظلوم ولایت بغلان به قتل رسیدند.

به تاریخ 1 دلو 1363 هـ ش در یک عملیات تصفیوی نیروهای شوروی در حدود 542 تن از مردمان بی دفاع ولسوالی چهاردره ولایت کندز به قتل رسیدند.

به تاریخ 25 حمل 1364 هـ ش در اثر حملات هوایی و زمینی قوای شوروی، هزاران تن در ولسوالی قرغه بی ولایت لغمان به قتل رسیدند.

به تاریخ 24 سرطان 1364 هـ ش تهاجم سنگین نیروهای شوروی بر وادی پنجشیر آغاز یافت، خسارات مالی و جانی فراوانی به اهالی منطقه وارد گردید.

به تاریخ 13 جوزا 1366 هـ ش در اثر بمباردمان نیروهای شوروی و اردوی نجیب در حدود 100 تن از اهالی ولسوالی ارغنداب ولایت کندهار به قتل رسیدند.

به تاریخ 20 قوس 1366 هـ ش طی بمباردمان قوای شوروی در ولایت نورستان (که در آن زمان بخشی از کنر بود) 200 تن از اهالی به شمول مردان، زنان و اطفال به قتل رسیدند.

به تاریخ 4 دلو 1367 هـ ش در حدود 1200 تن از اهالی سالنگ جنوبی توسط نیروهای شوروی وقت قتل عام گردیدند. ملت افغانستان با دستان خالی طوری به مصاف این ابر قدرت جهانی رفت که جهان را به حیرت واداشت. نه سال تمام جنگید تا نیروهای شوروی وقت را محکوم به شکست نماید. که نیاز است نسل جوان کشور این شهامت و دلیری پدران و نیاکان شان را پاس بدارند.

این بود مثال هایی از قتل و کشتار در زمان اشغال اتحاد شوروی در افغانستان، اما آیا مردم افغانستان ازین تباهی ها برای امروز و فردای شان درسی گرفته اند؟

درسی که از دیروز باید گرفت

متأسفانه بعد از شکست اتحاد شوروی و سقوط رژیم دست نشانده در بهار 1371 هـ ش تنظیم های مجاهدین نتوانستند حکومت مشترکی بوجود بیاورند بل، آتش جنگ های میان گروهی را در کشور شعله ور ساختند. طی جنگهای داخلی دهه نود میلادی و پیامد های بعدی آن، نه مردم افغانستان فرصت یافتند از وارثین اتحاد جماهیر شوروی حساب این همه جنایات را گرفته و غرامت جنگی طلب نمایند و نه هم جامعه جهانی دلچسپی داشت که متجاوزین را به محاکم بین المللی بکشاند. تمام متحدین سابق مجاهدین اعم از کشور اروپایی، امریکا و کشورهای همسایه افغانستان درصدد شدند تا از وضع جدید به نفع خود شان بیشترین استفاده را بنمایند.

حالا سه دهه بعد از خروج قشون سرخ از کشور؛ افغانستان هنوز هم از نعمت آزادی و خود ارادیت محروم است. ظاهراً ایالات متحده امریکا پس از امضای توافقنامه صلح با طالبان در صدد این است تا نیروهایش را از افغانستان بیرون نماید، اما پالیسی حقیقی هنوز برای کسی روشن نیست. قوت های مخالف صلح در داخل و بیرون کشور در صدد سبوتاژ کردن پروسه صلح می باشند و به همین خاطر هم وضع امنیتی کشور روز به روز وخیم تر شده می رود.

دولت افغانستان و تحریک طالبان مکلفیت دارند تا تجربه ناکام تنظیم های مجاهدین را تکرار نکرده، با ساده سازی گفتگوهای صلح با هم کنار بیایند. فهرست طویل خواست های دو طرف به عنوان اجندای مذاکرات؛ پیامی جز ناکام شدن پروسه مذاکرات و رفتن به طرف جنگ های ویران کن داخلی؛ ندارد. قضایای محوری ایکه درین برهه از زمان باید در گفتگو های دو طرف روی آن توافق صورت گیرد؛ اینها اند:

1. توافق روی چهارجوب برای تشکیل یک ساختار انتقالی یا مؤقت که تمام اطراف به شمول طالبان خود شان را در آن ببینند و ازطرف جامعه جهانی حمایت گردد.

2. توافق روی تعدیل قانون اساسی کشور در دوران حکومت مؤقت مطابق تقاضاهای مرحله جدید و حل و فصل تمام جزئیات دیگر ضمن گفتگو و مذاکره.

3. توافق روی کم ساختن خشونت و قبول اوربند کامل، بعد از اطمینان از تشکیل ساختار مؤقت/ انتقالی.

4. قبول انتخابات به عنوان یگانه وسیله تداول سلطه در دوره مابعد حکومت مؤقت/ انتقالی و ترسیخ آن به عنوان یک اصل در قانون اساسی کشور.

خواست مردم افغانستان و اکثریت قاطع جریانات سیاسی و اجتماعی از تیم های محترم مذاکره کننده اینست که حساسیت مرحله را درک نموده بدون ضیاع وقت بین هم به توافق رسیده و افغانستان را از تباهی و جنگ داخلی نجات دهند.

منابع:

- طنین، ظاهر، نام کتاب: افغانستان در قرن بیستم ص 263 الی 264
- نویسنده گان: گروهی از پژوهش گران از انستیتوی تاریخ نظامی فدراسیون روسیه، نام کتاب: جنگ افغانستان؛ ناشر: بنگاه نشرات میوند - کتاب خانه سبا، سال چاپ اول 1999 م و سال چاپ دوم 2003 م.

- نویسنده گان: بسم الله ذکی؛ وحیدالله مصلح و محمد زمان مزمل؛ نام کتاب: تجاوز شوروی بر افغانستان داستان خونین اشغال و جهاد، سال نشر 1398 هـ ش، ناشر: مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی.
- کامگار؛ دکتور جمیل الرحمن؛ نام: کرونولوژی حوادث تاریخی افغانستان؛ سال چاپ 1382؛ ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کتاب خانه سبا؛ صفحات 39، 40، 41، 44، 46، 48، 56، 59، 61، 62، 64، 66، 67، 68، 81 و 89 (با تخلص).



د ستراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز یو غیر انتفاعي، غیر حکومتي او خپلواک ارگان دی، چې په ۱۳۸۸ هـ ش کال کې تاسیس شوی دی. مرکز د خپلو بې پرې او کره څېړنو او رغنده خبرو له لارې په افغانستان او سیمه کې د پالیسیو ارزولو او د هغو د پراختیا لپاره فعالیت کوي. د مرکز یوه موخه دا هم ده چې د نویو څېړنو او پالیسیو تر مینځ داسې ارتباط قایم شي چې په پایله کې د هېواد په کچه ټولې پالیسی په مطالعې ولاړو اکاډیمیکو اصولو برابرې شي.

www.csrskabul.com